خبرها

حمایت زنان مشارکت از کاندیدای زن برای دبیرکلی

ایلنا: فاطمه راکعی رئیس کمیسیون زنان جبهه مشارکت ایران اسلامی گفت: اگر زنانی داوطلب نامزدی دبیرکلی مشارکت شوند، از آنها پشتیبانی می کنیم. وی همچنین اظهار داشت: متاسفانه زنان جبهه مشارکت نتوانستند ثابت کنند که سهمیه ۳۰ درصدی برای زنان باید در مورد شورای مرکزی حزب نیز اعمال شود. وی افزود: نظر آقایان این است که سهمیه ۳۰درصدی در مورد تمام ارکان غیر از شورای مرکزی قابل اجرا است بنابراین از زنان توانمند و دارای ظرفیت های سیاسی و اجرایی خواسته ایم که برای شورای مرکزی کاندیدا شوند.

بحث شرکت یا عدم شرکت ادوار در خبرگان

ایلنا: یدالله اسلامی دبیرکل مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی گفت: در جلسه اخیر شورای مرکزی مجمع، اعضا مباحثی را درخصوص اصل شرکت یا عدم شرکت در انتخابات خبرگان و شوراها مطرح کردند. وی افزود: با توجه به اینکه احساس می شد موضوع انتخابات صرف نظر از مشارکت یا عدم مشارکت باید با جدیت بیشتر مورد بحث و بررسی قرار بگیرد، مصوب شد جلسه ای درخصوص مباحث مطرح در انتخابات برگزار کنیم تا در این جلسات اعضا مباحث خود را در زمینه عدم مشارکت تا مشارکت مشروط و برنامه ریزی شده مطرح کنند. اسلامی گفت: اینکه گفته شود ما بدون قید و شرط و توجه به مجموع شرایط در انتخابات شرکت می کنیم، درست نیست و ما تنها در انتخابات آزاد، رقابتی و عادلانه شرکت خواهیم کرد. وی با اشاره به حضور موسوی لاری در جلسه مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی گفت: موسوی لاری براساس برنامه ریزی قبلی و به عنوان یکی از اعضای این تشکل در جلسه شرکت و مباحثی را که لازم می دانست مطرح کرد.

گزارش

گزارشی از سخنرانی بابک احمدی و حبیب الله پیمان در ادوار تحکیم

ما و مشروطه خواهی

گروه سیاسی: بابک احمدی و حبیب الله پیمان طی سخنانی در سازمان ادوار تحکیم، به تحلیل نگاه خود درخصوص انقلاب مشروطه و شرایط ایران پرداختند. بابک احمدی پژوهشگر و استاد دانشگاه در این مراسم گفت: حتی پس از گذشت صد سال از مشروطه هنوز هم به ایده های آن زمان نیازمندیم. به گزارش «ایلنا» بابک احمدی با اشاره به نحوه شکل گیری مشروطه گفت: شاید در نگاه اول به نظر برسد مشروطه تغییر مهمی در تاریخ ایران به وجود نیاورد اما تفسیر های متفاوت و فراوانی که از این رویداد تاریخی شده، نشانگر تاثیر عمیق اجتماعی و سیاسی آن در جامعه ایران است. وی گفت: در جامعه ای که بیش از ۹۰ درصد از مردم حتی سواد نوشتن نداشتند، انقلاب باشکوهی رخ داد که اولین انقلاب مشروطه آسیا بود، هرچند برخی معتقدند این انقلاب متاثر از انقلاب سال ۱۹۰۵ روسیه بود اما این تاثیر آنچنان زیاد نبود که آن را به طور کامل برگرفته از آن انقلاب بدانیم. به اعتقاد بابک احمدی هیچ آزادی خواه، سوسیالیست یا لیبرال ایرانی مشروطه را به دیده تحقیر نمی نگرد چون مشروطه بزرگ ترین تحول تاریخ ایران است. احمدی با بیان این که ما هیچ انقلابی نداریم که به معنای واقعی به اتمام رسیده باشد، گفت: انقلاب ها تصوراتی می آفرینند که در صورت محقق نشدن آنها در نسل های بعد، انتقادات آغاز می شود و به همین دلیل می توان گفت که همه انقلاب ها بی پایان هستند. وی با تاکید بر این که آنچه همه ما ایرانیان را به هم پیوند می دهد و خواست جامعه آزاد و قانون مدون را در ما زنده نگه می دارد، چیز هایی است که از انقلاب مشروطه به دست آمده است، گفت: انقلاب مشروطه اگرچه پیروزی کامل به دست نیاورد اما ایرانیان را برای نخستین بار با مفاهیمی همچون آزادی، حقوق بشر و عدالت آشنا کرد. ما روزهای شاد و در عین حال روزهای سختی در تاریخ این سرزمین داشته ایم که همه آنها دستاورد کسانی است که انقلاب مشروطه را آفریدند. وی گفت: باید بار دیگر از ملت خود یک ملت مشروطه خواه بسازیم. احمدی شجاعت را اصلی ترین وجه ملتی دانست که به دنبال آزادی است و گفت: باید مردم را شجاع کرد. حبیب الله پیمان دبیرکل جنبش مسلمانان مبارز نیز در این میزگرد گفت: اینکه قانون اساسی مشروطه در طول یک قرن اخیر به طور کامل کنار نرفته است، به دلیل پتانسیل بزرگی است که این انقلاب آزاد کرد. وی با بیان اینکه تا پیش از مشروطه حکومت شاهان و قبایل بر ایران باعث شده بود که مردم خواسته های خود را از یک شاه مقتدر عادل طلب کنند، گفت: آنچه در مشروطه اتفاق افتاد، این بود که مردم دیگر انتظارات خود را از یک شاه نمی خواستند بلکه خواستار قانونی بودند که این انتظارات را برآورده کند. پیمان یکی از دلایل این تحول را آشنایی جامعه ایرانی با غرب و مفاهیم مطرح شده در آن دانست و گفت: آنچه در زمان مشروطه شدنی بود، پروژه حاکمیت قانون براساس دولت ملی بود. دبیرکل جنبش مسلمانان مبارز با تاکید بر تشخیص ضرورت های دوران توسط نخبگان هر جامعه گفت: در زمان مشروطه تندروی هایی از سوی روشنفکران ما صورت گرفت که در ظرف زمان قرار نداشت، آنها به دنبال خواسته هایی بودند که امکان تحققش در آن زمان نبود و اگر برخی روشنفکران واقع بین در آن زمان نبودند، ممکن بود همین حد از موفقیت نیز به دست نیاید. پیمان همچنین به اختلافات گروه های مختلف پس از انقلاب مشروطه اشاره کرد و گفت: نیرویی که باید صرف تثبیت حکومت ملی می شد، با این اختلاف های گروهی از بین رفت و این نیز یکی دیگر از دلایل تحقق نیافتن همه آرمان های مشروطه بود. پیمان تندروی ها را یکی از عوامل شکست آزادیخواهان و فعالان سیاسی در دوران دولت مصدق، انقلاب اسلامی و اصلاحات دانست و گفت: همان گونه که در دهه ۲۰ و ۳۰ بهترین شرایط برای تشکیل دولت ملی در ایران فراهم بود اما روشنفکران ما نتوانستند از این فرصت استفاده کنند.

اصلاح طلبی پس از ۳ تیر

گزارش سخنرانی محمدرضا خاتمی در کانون توحید لندن

لندن، محمدمهدی ذاکرحسین: «محمدرضا خاتمی» دبیرکل جبهه مشارکت در جریان سفر اخیر خود به لندن به دعوت انجمن اسلامی دانشجویان لندن در کانون توحید به ایراد سخن با موضوع «اصلاحات و اصلاح طلبان بعد از سوم تیر» پرداخت. وی در این سخنرانی به تاریخچه اصلاح طلبی در ایران، اهداف و استراتژی های اصلاح طلبان و چشم انداز پیش رو پرداخت.

■ تاریخچه اصلاحات در کشور

خاتمی با اشاره به صدمین سالگرد انقلاب مشروطه گفت: «نهضت مشروطه شاید از بزرگترین انقلاب های تاریخی در کشوری مثل کشور ما باشد. منتها جالب این است که این نهضت بزرگ تلاش کرد که نه با سیستم های خشن و برخوردهای تخریب کننده به هدف خود برسد بلکه هدف خود را اصلاح سیستم موجود قرار داد. یعنی پادشاه در سر جای خود باقی ماند و فقط پادشاهی مطلقه تبدیل به پادشاهی مشروطه شد.» وی ادامه داد: «هدف این نهضت اصلاح سیستم موجود است، نه نفی همه گذشته و روی آوردن به وضعیتی که نتوان کارها را جمع کرد.» وی با اشاره به سیدجمال الدین اسدآبادی گفت که او نیز تلاش داشت که اصلاح را از درون دربار آغاز کند و حتی نامه حسرت دار سید را که می گوید ای کاش من اثری را که در دربار می جستم در دل مردم می جستم و به تعبیری حرف از انقلاب می زند اما واقعیت های موجود جامعه ایرانی این را به او تحمیل می کند که اگر دنبال یک کار اساسی هستی باید دنبال اصلاح باشی. خاتمی حادثه بعدی در تاریخ اصلاحات را حادثه ملی شدن صنعت نفت دانست و افزود: «نهضت ملی شدن صنعت نفت جنبشی است که اصلاح از درون خود حکومت آغاز می شود، گسترش می یابد و به نتایج خود کمابیش می رسد.» وی حادثه بعد را انقلاب اسلامی دانست و گفت: «اگر سیر حوادث انقلاب را دنبال کنید، می بینید کاری که امام و شخصیت های دیگر انقلابی کردند این نبود که از ابتدا به دنبال براندازی و دگرگون کردن رژیم بروند. نامه ها و پیغام های فراوانی وجود دارد که به حکومت بگویند این کار را بکنید یا نکنید. یعنی اصلاح کنید. اما وقتی این روند اصلاحی به جایی نمی رسد چاره ای جز انقلاب نمی ماند.» وی این موضوع را درس بزرگی برای جامعه ایران امروز دانست و گفت: «تا زمانی که یک حکومت و یا جریان سیاسی اصلاح پذیر باشد می توان امیدوار بود که کارها بدون چالش های بزرگ به نتیجه برسد. اما اگر آن نظام سیاسی اصلاح ناپذیری خود را نشان دهد اولاً خود ضربه می بیند. [ثانیاً] همه ملت ضرر می بینند. وی چنین ادامه داد که: «امروز هیچ کس در کشور منکر نیاز به اصلاح و اصلاح طلبی نیست هرچند که برای آن تعریف های مختلفی انجام می گیرد چه در عمل و چه در قول. از مسئولین کشور گرفته تا متنهاالیه جریان های سیاسی اپوزیسیون درون کشور. آنها هم هیچ کدام منکر اصلاحات نیستند لکن ایراد می گیرند که کار شما اصلاح طلبی نیست و شما اصلاح طلب واقعی نبودید و آنها هم تعریف خاص خود را از اصلاح طلبی دارند.»

■ اصلاحات خواست جامعه است

رضا خاتمی در آخرین سخنرانی احتمالی خود به عنوان دبیرکل جبهه مشارکت ادامه داد: «ما امروز شاهد دولتی هستیم که رادیکال ترین دولت راست بعد از انقلاب است. این امر مورد قبول کسانی که در جناح راست هستند هم قرار دارد. حتی جریانات سنتی جناح راست، موتلفه و یا روحانیت سنتی هم برای دولت ما جایگاه خاصی ندارند بنابراین وقتی می گویم رادیکال ترین، گزافه گویی نیست. اما همین دولت بر چه اساسی به حکومت می رسد؟ البته وارد تحلیل انتخابات نمی شوم. فقط دوره دوم انتخابات و برداشتی که مردم کردند و چرا این دولت در دور دوم توانست ۱۷-۱۸ میلیون رای جمع کند؟ به عقیده من آقای احمدی نژاد در دور دوم واقعاً رای مردم را جمع کرد. در دور اول جریان متفاوت بود و تحلیل خاص خود را می طلبد اما مردم بر چه اساسی این رای را دادند؟ آیا جز این بود که او سوار بر موج نارضایتی مردم شد و گفت در شانزده سال گذشته فساد همه جای کشور را در عرصه سیاست، اقتصاد و فرهنگ گرفته است؟ و در واقع با چهره بیرون حکومتی که آمده درون حکومت را اصلاح کند. گفت که من آمده ام همه این فسادها را اصلاح کنم. معنای حرف من این است که حتی این دولت رادیکالی مبنای کار خودش را در گرفتن رای مردم و حرکت اصلاح طلبانه قرار می دهد. بر این اساس تحلیل من این است که رای مردم هم در دوم خرداد و هم در سوم تیر بیان نارضایتی مردم بود و این نشان دهنده این است که مردم احساس می کنند کشور نیاز به تغییر اساسی دارد و نارضایتی خود را به مدنی ترین شکل ممکن نشان می دهند. هرچند ما شاید بگوئیم که به مصادیقی که مردم برای نماد اصلاح طلبی خود انتخاب می کنند ایراد داشته باشیم در زمان دوم خرداد خیلی ها می گفتند که اصلاحات لازم است اما مصداقش آقای خاتمی نیست ما هم حالا ممکن است بگوییم که مردم اصلاح طلب هستند اما مصداقش را اشتباه انتخاب کرده اند.

■ مهم ترین تلاش و هدف اصلاحات در شرایط کنونی

دبیرکل جبهه مشارکت در ادامه به شرایط ویژه کنونی کشور اشاره داشت و گفت: «ما از یک طرف در داخل با رشد دانش عمومی و کلاسیک مواجه ایم و از طرف دیگر با رشد شهر نشینی و مهم تر از همه رشد سیستم های اطلاع رسانی ای که هیچ محدودیتی هم نمی پذیرد، مواجه ایم که وضعیت ما را متفاوت از گذشته می کند. امروز جنبش ها و حرکاتی که در درون ایران وجود دارد کمتر سیاسی است برخلاف یک دهه گذشته. امروز ما جنبش هایی مثل جنبش زنان داریم که سیاسی نیستند.» وی سپس با اشاره به شرایطی که ما در کشور داریم گفت این مسائل به سرعت می توانند تبدیل به بحران شوند و افزود: «در عین اینکه می خواهم تاکید کنم که باید صبور و بردبار باشیم و اجازه دهیم جریان اجتماعی کشور طبق روال عادی خودش پیش رود اما لزوماً زمان منتظر ما نمی ماند و این مسائلی که ما داریم به سرعت می تواند به چالش تبدیل شود.»

■ لوازم مورد نیاز برای اصلاحات

وی در برابر ایرانیان مقیم انگلیس اینچنین ادامه داد که: «استراتژی از نظر ما یعنی اصلاح قدرت و سیستم سیاسی کشور. بر این اساس هم حرکت اصلاحات ۹ سال پیش شروع شد. شعار هایی هم که عنوان شد بر این اساس بود مثلاً «حکومت قانون»، «پاسخگو کردن قدرت»، «متناسب کردن اختیارات با مسئولیت ها» هرکسی که اختیار بیشتری دارد پاسخگوتر هم هست. این می شود اصلاح سیستم سیاسی و قدرت. من وارد ارزیابی این نمی شوم که در هشت سال گذشته ما چقدر توانستیم به اینها برسیم یا نرسیم اما برای این که ما بتوانیم به این اهداف برسیم یک سری لوازم وجود دارد که ما بتوانیم اصلاحات کنیم. این لوازم شناخته شده اند. تجربه ایران و غیر ایران هم نیست. تجربه بشری در جاهای مختلف است که باید پند بگیریم.» وی اولین مسئله و وسیله را «آزادی بیان» دانست و افزود که بدون آزادی بیان اصلاح قدرت معنی نمی دهد و شما باید بتوانید موانع و مشکلات را بگویید. وی ادامه داد: «دومین لازمه آن است که شما امکان ندارد یک قدرتی را بتوانید پاسخگو کنید مگر آنکه در برابر آن یک قدرت متوازن کننده ای در درون اجتماع داشته باشید. ما در جامعه ای زندگی می کنیم که در آن توده های مردم وجود دارند این توده ها گاهی اتفاق می افتد که روی یک مسئله اجماع داشته باشند اما در طول صد یا دویست سال گاه دو سه مرتبه چنین اتفاقی می افتد که همه مردم یک چیزی را بخواهند که در آن صورت قدرت هم در برابر آن تمکین می کند. اما به طور معمول این اتفاق نمی افتد، مردم خواسته های متفاوتی دارند و راه های متفاوتی می روند و می توان برای هر قشری از مردم هدف گذاری مشخصی کرد بنابراین اگر دنبال پاسخگو کردن قدرت هستید شما باید به سمتی بروید که نظارت عمومی مردم متکی به نهادهای مدنی باشد. بنابراین تاسیس و تقویت نهادهای مدنی به عنوان ابزار اصلی نظارت کننده بر قدرت یکی از برنامه های اساسی ای بود که در اصلاحات دنبال می شد و هنوز هم باید باشد. وی ایجاد سازوکاری که حق انتخاب مردم را محترم بشمارد سومین مسئله مورد نیاز اصلاحات دانست و افزود که حق انتخاب مردم چه از آن جهت که مردم بتوانند آزادانه انتخاب کنند و چه بعد از انتخابات منتخبین مردم بتوانند حق اعمال برنامه های خودشان را داشته باشند، باید محترم شناخته شود.

■ شرایط فعلی حرکت اصلاحات در کشور

وی سخن خود را در کانون توحید لندن چنین ادامه داد که: «به نظرم می رسد در شرایط فعلی که در کشور داریم چه در هدف و چه در استراتژی مان تفاوتی با گذشته نداریم. ما همچنان باید به مشی اصلاح طلبی خودمان پایبند باشیم و در مسیر آن پیش برویم. اما آنچه مهم است تاکتیک هایی است که اتخاذ می کنیم. بله در این امر باید تجدیدنظر کرد. باید راه هایی که رفتیم را دوباره بازبینی کنیم. اشتباهاتی که وجود داشته است را برطرف کنیم. نقاط ضعف را بر طرف کرده و نقاط قوت را تکمیل کنیم.» وی سپس به برخی از ضعف های جریان اصلاحات اشاره کرد و گفت: «اولین نکته ای که باید به آن اشاره کنم این است که هنوز در جریان اصلاحات مرز بین اصلاح طلبی و انقلابی گری مشخص نیست. بنابراین گاهی وقت ها می بینیم که برای رسیدن به اهداف اصلاحات از حرکاتی استفاده می شود که انقلابی گری است و این برای مردم در داخل کشور قابل فهم نیست و می تواند ایجاد ذهنیت منفی کند. مسئله دوم این است که حرکت اصلاحات حرکتی از بدتر به بد، از بد به متوسط و از متوسط به خوب و بهتر است. این روند حرکت است و راه میانبری وجود ندارد که از بدتر به بهتر برسیم. نکته بعدی که نمی توان نسبت به آن بی تفاوت شد آن است که به هر حال اعتماد مردم تا حدی به جریان اصلاحات خدشه دار شده است. این بی اعتمادی کمی از بد عمل کردن خود جریان اصلاحات بوده است. کمی ناشی از تبلیغاتی است که علیه جریان اصلاحات در داخل و خارج وجود دارد و کمی هم ناشی از کارشکنی های مداومی است که در این مسیر وجود دارد. وی مسئله بعدی برای اصلاحات را آن دانست که شعار ها باید به برنامه های قابل فهم برای عموم مردم تبدیل شود: «نمی توان از نظر دور داشت که وقتی در جمع دانشگاهیان و نخبگان صحبت می کنیم بسیاری از پیشنهادهای ما برای آن جمع قابل درک است. مثلاً وقتی ما از دموکراسی به عنوان پیش نیاز پیشرفت کشور بحث می کنیم شاید برای ۹۹ درصد دانشجویان این موضوع قابل درک باشد و نیاز به توضیح نداشته باشد. اما شما وقتی در درون جامعه ایران می روید باید کاملاً مشخص باشد که طبق چه برنامه ای این دموکراسی منجر به یک زندگی بهتر برای این آدم می شود. این موضوع بسیار اهمیت دارد و ما باید برای آینده روی این زمینه ها کار کنیم.»

عکس: میلاد بهلی/ شرق

وی سپس به عنوان مسئله بعدی اصلاحات به ظرفیت های ملی اشاره کرد و افزود: «ما نمی توانیم بدون در نظر گرفتن ظرفیت های ملی کشورمان حرکات مان را پیش ببریم. این ظرفیت های ملی یک سری ظرفیت های سیاسی است. به هر حال برای پیشبرد کار سیاست و سیاست ورزی ابزار خودش را می خواهید. ما در کشورمان ۸-۷ سال است که به معنای نسبتاً واقعی کلمه حزب داریم. تشکل های سیاسی ای که نسبتاً با برنامه وارد فعالیت سیاسی می شوند داریم. بنابراین نمی توانیم انتظار داشته باشیم که در جریان سیاست ورزی بتوانیم خود را با کشورهایی که بیش از صد و پنجاه سال نهادهای سیاسی حرفه ایی داشته اند مقایسه کنیم. این محدودیت سیاسی است که ما در درون کشور داریم. ظرفیت های اقتصادی را باید در نظر گرفت. یک سری هم ظرفیت های معنوی اعتقادی و دینی جامعه ما است. ما امروز به این نتیجه رسیده ایم که یک حکومت سکولار شاید در کشور همسایه ما مطلوب باشد. ما تعصب نداریم که چه حکومتی باشد اما می خواهیم حکومت دموکراتیک باشد. ولی بنده معتقدم که یک حکومت سکولار در ایران امکان اینکه دموکراتیک باشد حداقل در شرایط فعلی ندارد. حتی ما می بینیم که سکولارترین حکومتی که ما داشته ایم، حکومت شاه، بدون توجه به اعتقادات مردم نمی تواند خیلی کاری را از پیش ببرد و بعداً هم در ارتباط با همان اعتقادات مردم دچار چالش می شود.» وی ادامه داد: «من نمی خواهم اینجا ارزشگذاری کنم که این خوبست یا بد است اما این جزء ظرفیت های معنوی کشور ما است. هر جریانی که می خواهد در این رابطه کار کند نمی تواند بدون در نظر گرفتن محدودیت هایی که این ظرفیت دارد کار خودش را پیش برد. به همین دلیل من احساس می کنم دوستانی که بر این اساس حرکت می کنند که سیاست از دیانت کاملاً جدا است حرفشان در داخل کشور خیلی بازتاب ندارد. آنچه ما اعلام کرده ایم این است که نهاد قدرت از نهاد دین که روحانیت است جداست اما این لزوماً به معنای این نیست که دین از سیاست در کشوری مثل کشور ما قابل تفکیک و جدا شدن از یکدیگر باشد. مسئله و تاکتیک آخری که می خواهم به آن اشاره کنم آن است که در شرایط فعلی در کشورمان به خاطر ضعف سازماندهی و ضعف تشکل هایی که داریم امکان حرکت فردی و جداگانه برای اصلاح طلبان وجود ندارد. در طرف مقابل سیستمی وجود دارد که از قدرت سازماندهی خود، خیلی راحت برای رسیدن به هدف سیاسی استفاده می کنند، در برابر این قدرت سازمان یافته اصلاح طلبان چاره ای ندارند جز اینکه براساس حداقل های خود با یکدیگر کنار بیایند و بتوانند در یک روند دموکراتیک در حقیقت یک مسیر واحدی را هر چند برای زمانی محدود و مشخص به پیش برند. وی سخن خود را چنین پایان می دهد که: «شاید یکی از دستاوردهای اصلاحات این بوده است که حداقل بخشی از جریان محافظه کار را به این واقعیت رسانده است که باید قواعد این رقابت را پذیرفت و عمل کرد. ما گمان می کردیم که بعد از یکدست شدن حاکمیت فضای عمومی داخل کشور به شدت بسته شود، البته اکنون فشارها بسیار است ولی واقعیت این است که عمق جریان اصلاحات الان در جامعه ما آنقدری هست که نمی شود همه فضاهای اندیشه و عمل را در درون کشور بست.»

یادداشت

تاملی بر نوشته ای با عنوان «مشروطه خواهی همان اصلاح طلبی است»

در اولویت گذر از ابهام گویی

روزبه میرابراهیمی

۱۲ مرداد ماه ۱۳۸۵ در هفته نامه روزنامه وزین شرق، ویژه نامه ای منتشر شد که به پیشواز همایش «ایران، یکصد سال پس از مشروطیت؛ تجارب گذشته، چشم انداز آینده» رفته است. در مطلع این ویژه نامه، به مانند اکثر ویژه نامه های روزنامه شرق، سردبیر محترم آن و دوست و همشهری ام، جناب آقای محمد قوچانی، این بار نه به عنوان سردبیر که به عنوان عضوی از هیات برگزار کننده این همایش، مطلبی گزارش گونه از اهداف و دیدار های صورت گرفته در حاشیه تدارک مقدمات این همایش به رشته تحریر درآورده است که پرسش هایی چند، به ذهن متبادر کرده است. طرح این پرسش ها و دغدغه ها نه از سر موضع شخصی که تنها برای گره گشایی و نیافتادن چند باره در چالش های بی حاصل گذشته است. نویسنده مطلب، پیش فرض خود را چنین شرح داده است: «فرض ما بر این نکته استوار است که بحران اصلاح طلبی همان بحران مشروطه خواهی است چرا که می توان شباهت های بسیاری میان خواسته ها و دستاوردهای دو نهضت یافت. مطالبه قانون، عدالت، آزادی و توسعه در هر دو جنبش... مشترک بوده است.» (شرق ۱۲ /۵/ ۸۵) ظاهراً هدف از همه آنچه نوشته شده بود رسیدن به همان تیتر مطلب بود که در پایان نیز به آن اشاره شده است: «مشروطه خواهی همان اصلاح طلبی است». نوشتن و گذشتن از مفاهیمی این چنین در قالبی ژورنالیستی، همان دردی است که اصلاح طلبان به آن دچار بوده اند. استنباطی که می توان از اینگونه تیتر و محتوا داشت خواسته یا ناخواسته مقابل هم قرار دادن مشروطه خواهی- جمهوری خواهی و انقلابی گری - اصلاح طلبی است. احتمالاً در تفکر پشت این تحلیل جمهوری خواهی، انقلابی گری خواهد بود و جمهوری خواهان نیز انقلابیونی ساختار شکن، و البته مشروطه خواهان نیز اصلاح طلبان واقعی! این در حالی است که نویسنده، در کنار پیش فرض های خود، جای تعاریف مورد استناد خود را خالی گذاشته است. اصلاح طلبی در تعریف مورد استفاده مدلی انتزاعی در نظر گرفته شده و نام نهضت بر آن نهاده شده است و از آرمان ها و اهدافش سخن رانده شده است. در حالی که برای اصلاح طلبی به عنوان روش هیچ حقی دیده نشده و به رسمیت شناخته نشده است. اگر مشروطه خواهی هدف است، می تواند روش اش اصلاح طلبانه یا انقلابی باشد و اگر جمهوری خواهی هدف است، آن نیز می تواند با مشی اصلاح طلبانه همراه باشد و یا با حرکتی انقلاب گونه. وقتی که مشروطه خواهی را همان اصلاح طلبی تعریف می کنیم آیا همه جوانب و حاشیه هایش را نیز در نظر گرفته ایم؟! یا نه، تنها برای رسیدن به هدف که توجیه یک جمله است، این گونه قلم می زنیم. بازشناسی و بازآموزی از تجربه های تاریخی ملت ایران در صد سال گذشته ارزشمند و تحسین برانگیز است اما شاید با اهمیت تر از آن، ابهام زدایی از واژه ها و مفاهیمی باشد که در ادبیات روشنفکران و نخبگان ما هر روز رنگی می گیرد و مسیری را می پیماید. شاید مهمتر از سخن گفتن و جشن گرفتن برای سده مشروطه، پرده برداری شجاعانه از واقعیات ناگفته نهضت های ناکام ملت ایران در راه رسیدن به دموکراسی مهم باشد وگرنه در همچنان بر همان پاشنه خواهد چرخید که تاکنون چرخیده است. البته به دور از حاشیه و برای کنکاش درمنازعه هایی چون؛ مشروطه و مشروعه، مشروطه و جمهوری، اصلاح طلبی و انقلابی گری و...

خبرها

ابراز نگرانی مشارکت

ایسنا: در جلسه شنبه شب دفتر سیاسی جبهه مشارکت ابعاد مختلف لایحه نظام جامع انتخابات از سوی اعضا بررسی و نسبت به آنچه عواقب منفی آن خوانده شد ابراز نگرانی شد. در این جلسه مسئولان دفتر دائمی انتخابات این حزب به ارائه گزارش کاملی از این لایحه و نتایج اجرایی شدن آن پرداختند و آن را موجب کاهش نقش مردم در تعیین سرنوشت خود دانستند. در این نشست بر تداوم سیاست «ائتلاف بین اصلاح طلبان» در انتخابات خبرگان و شوراها نیز تاکید و مطرح شد که جبهه مشارکت نیز همه تلاشش را در این زمینه به کار خواهد بست.

دیدار هادی خامنه ای با خانواده موسوی خوئینی

ایسنا: سیدهادی خامنه ای با خانواده علی اکبر موسوی خوئینی دیدار کرد. در این دیدار که اعضای سازمان دانش آموختگان ایران اسلامی (ادوار تحکیم وحدت) نیز حضور داشتند، دبیرکل مجمع نیروهای خط امام آخرین وضعیت موسوی را جویا شد. گفتنی است که همچنین زهره اسلامیان نیز پیگیری وضعیت همسرش از سوی اصلاح طلبان را خواستار شد.

دادگاه بازداشت شدگان آذری

ایلنا: جلسه رسیدگی به اتهامات عباس پوراظهری از بازداشت شدگان حوادث اخیر آذربایجان صبح دیروز در شعبه ۱۱۰ جزایی تبریز برگزار شد. حسن فرهودی نیا وکیل مدافع پوراظهری با اعلام این مطلب اتهام موکلش را اخلال در نظم از طریق شرکت در تظاهرات روز اول خردادماه سال جاری عنوان کرد. همچنین جلسه رسیدگی به اتهامات چهار تن از بازداشت شدگان حوادث اخیر مراغه نیز صبح دیروز به صورت علنی در شعبه اول دادگاه انقلاب مراغه برگزار شد. محمدرضا فقیهی وکیل مدافع داود عظیم زاده، مجید پژوه فام، یاشار حکاک پور و حامد یگانه پور با اعلام این مطلب، اتهامات موکلانش را تبلیغ علیه نظام، مشارکت در تشکیل دسته یا جمعیت غیرقانونی با قصد برهم زدن امنیت کشور و تحریک مردم به جنگ علیه یکدیگر با قصد برهم زدن امنیت عنوان کرد.

بیانیه کانون نویسندگان برای زرافشان

ایلنا: کانون نویسندگان ایران با صدور بیانیه ای به مناسبت آغاز پنجمین سال زندانی شدن ناصر زرافشان وکیل مدافع خانواده قربانیان قتل های زنجیره ای خواهان آزادی وی شد. کانون نویسندگان ایران همچنین با اشاره به بازداشت برخی فعالان دانشجویی، دانشگاهی و سیاسی خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی شده است.

مباحثه عضو مشارکت و سخنگوی ادوار تحکیم

انجمن های اسلامی، سیاست و مذهب

گروه سیاسی: علی شکوری راد، عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت و عبدالله مومنی سخنگوی سازمان ادوار تحکیم و دبیر سابق تشکیلات دفتر تحکیم وحدت طی مناظره ای در شبکه هما به مباحثه بر سر انجمن های اسلامی و انتقادها از دانشجویان انجمنی و مسئله اسلامی بودن انجمن ها پرداختند. بخش هایی از این گفت وگو را در ادامه می خوانید.

■■■

علی شکوری راد: به عنوان فردی از مجموعه ای از نیروهای سیاسی جامعه که سابقه فعالیت در دفتر تحکیم وحدت را داشته و با توجه به آنچه که به عنوان افتخارات دفتر تحکیم در جامعه ما موجب اعتبار این نام شده، امروز شاهد این هستم ذیل استفاده از نام «انجمن های اسلامی» راه دیگری طی می شود و دوستان رفتاری را مرتکب می شوند که صداقت و درستی در آن کمرنگ است و آن این که کسانی که اساساً انگیزه دینی برای فعالیت شان ندارند ذیل عنوان انجمن اسلامی و یا دفتر تحکیم وحدت فعالیت می کنند.

عبدالله مومنی: من اگر بخواهم وارد بحث شوم لازم می دانم به سابقه انجمن های اسلامی دانشجویان بپردازم. متاسفانه دوستان سابقه انجمن های اسلامی را به انقلاب اسلامی سال ۵۷ گره زده اند و از طرح سابقه و عملکرد انجمن های اسلامی از بدو شکل گیری تا انقلاب که قریب به سه دهه است، غفلت می ورزند. انجمن اسلامی دانشجویان از ابتدای فعالیت دو وجهه داشتند که یک وجهه آن مذهبی و دینی بود و وجه دیگرشان مبارزه با استبداد. وجهه مذهبی فعالیت های انجمن اسلامی با الهام گرفتن از افکار روشنفکرانی چون مهندس بازرگان و دکتر شریعتی همسو با جریان روشنفکری دینی، دفاع از اسلام نوگرا و تحقق دموکراسی بود. یکی از دلایل اصلی شکل گیری انجمن های اسلامی و تاکید بر عنصر مذهب در این مجموعه ها به این مسئله برمی گردد که دانشجویان مذهبی با تاسیس انجمن می خواستند هم اسلام نوگرا و نواندیش را معرفی کنند و هم پاسخ شبهات موجود را که توسط دیگر گروه ها مطرح می شد بدهند و این روند تا بروز انقلاب اسلامی ادامه پیدا کرد. در ابتدای انقلاب اسلامی، دانشجویانی که خود را خط امام خواندند با مقابله با جریانات روشنفکری و انقلاب فرهنگی و حذف گرایش های منتقد، انجمن های اسلامی را در دست گرفتند و علاوه بر آن، تصمیم گیری انجمن ها در آن زمان منوط به تایید نماینده رهبری شد. مجموعاً آنچه که قابل بیان است این است که از نظر ما انجمن های اسلامی مطمح نظر آقای شکوری راد یعنی انجمن اسلامی سال های ۵۷ تا ۷۷ متفاوت با انجمن هایی است که مورد ادعای ماست. ما از نسل انجمن های اسلامی سال ۷۵ به این سو به دلیل ساختار دموکراتیکی که داشتند و پرداختن به خواسته هایی که منافع ملی در آن رعایت می شد، دفاع می کنیم.

علی شکوری راد: آقای مومنی بر اساس ذهنیات خود انجمن های اسلامی را تعریف کردند. با توجه به اینکه ما خود از نزدیک شاهد تحولات در دانشگاه بودیم لذا آنچه که ایشان تعریف کردند، قبل از آنکه بیان واقعیت و تاریخچه جنبش دانشجویی باشد، صرفاً تامین کننده دیدگاه های امروز ایشان است. اتفاقاً در این زمینه ما خیلی کار کردیم. من نمی دانم آقای مومنی اساساً موقعی که انقلاب شد چند سال داشتند؟ و اساساً چیزی از آن موقع یادشان هست یا نه؟ و بر اساس چه مستنداتی این صحبت ها را می کنند؟ ظاهراً آقای مومنی با اصل انقلاب مشکل دارند که همه آنچه را که تحت لوای آن اتفاق افتاده به عنوان اتهاماتی که عده ای در به وجود آوردن آنها نقش داشته اند، مطرح می کنند. من به آقای مومنی عرض می کنم که در سال ۵۷ یک انقلاب اسلامی در ایران اتفاق افتاد و رهبرش هم امام خمینی بود. ایدئولوژی انقلاب هم اسلامی بود. دانشجویان مسلمانی هم که در آن موقع در دانشگاه بودند جزء مردانی بودند که در به ثمر رساندن انقلاب اسلامی نقش داشتند. بعد هم همین دانشجویان بر خود تکلیف می دانستند تا از این انقلاب دفاع کنند و این را برای خود عیب نمی دانستند. بر همین اساس علیه سلطنت طلب ها در دانشگاه ها و علیه کسانی که وابسته به رژیم شاه بودند ایستادگی و مبارزه کردند و سعی کردند محیط دانشگاه را به محیط انقلاب نزدیک کنند. کسانی که انقلاب اسلامی را ندیده و تجربه نکرده اند از درک شرایط آن موقع عاجزند. آنچه آقای مومنی در مورد انجمن های اسلامی گفتند مقرون به صحت نبود. در دانشگاه ها اکثراً کتابخانه اسلامی بود نه انجمن اسلامی. عنوان انجمن اسلامی بعد از انقلاب در دانشگاه ها به وجود آمد و بعد از انقلاب فرهنگی با تصمیمی که توسط روسای دفتر تحکیم وحدت گرفته شد اسامی این انجمن ها یکپارچه شد. بعد از آن هم دفتر تحکیم وحدت در یک برهه ای تصمیم گرفت تا اتحادیه انجمن های اسلامی شود. این سوابق را به این دلیل خدمت تان عرض کردم چون صحبت های آقای مومنی کاملاً برای من تازگی داشت. بخصوص در مورد دکتر شریعتی. من تعجب می کنم از آقای مومنی. در طول مدتی که ما فعالیت سیاسی می کردیم چه در انجمن اسلامی و چه در دفتر تحکیم وحدت تنها مجموعه ای که سلوک و اندیشه های دکتر شریعتی را محافظت می کرد، آن هم در سال هایی که دکتر شریعتی در جامعه مهجور بود، همین انجمن های اسلامی بود. بنابراین این شما هستید که باید جواب دهید این اطلاعات غلط را از کجا آورده اید و بر چه مبنایی این بحث را مطرح می کنید؟

عبدالله مومنی: بحث انقلاب فرهنگی و تسویه های اساسی که در داخل دانشگاه ها صورت گرفت و اساتید خوشنام از دانشگاه ها بیرون شدند را کسی نمی تواند منکر شود. یکی از